

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۱۶ اپریل ۲۰۲۲

فریده نوری

چشم دید یک شخص نیکوکار از افغانستان

بعد از مستقر شدن طالبان در کشور

نویسنده: Mercier

مترجم: فریده نوری

قسمت اول

قصه ای از آخرین سفر یک شخص خیرخواه و نیکوکار که یک قسمت زیاد عمر خود را وقف کارهای خیریه در افغانستان نموده است. وی نخواست که از او نام برده شود، به دو دلیل: دلیل اول: وی آرزو ندارد که کمک هایش به نمایش گذاشته شود. دلیل دوم: با وجود کبر سن نمی تواند از افغانستان دل بکند. زیرا وی از رجال سابقه هراس دارد. وی به چشم دید های آخر خود چنین عنوان داده است.

طالبانی که از شریعت استفاده نمی کنند

به تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی، ساعت یک بجۀ بعد از ظهر، به میدان هوایی کابل توسط پرواز آریانا افغان هوایی شرکت از طریق اسلام آباد رسیدم، به مجرد پیاده شدن از طیاره مسافری توسط یک مینی بس مربوط شرکت هوایی آریانا، از دهن دروازه طیاره به دفتر کنترل پاسپورت ها، که از زمان آخرین خروج من در ماه اکتوبر ۲۰۱۹ از افغانستان هیچ نوع تغییر نکرده است، رسانید. دفعتاً برایم یک نوع هیجان و احساسات پیدا شد.

غرفه های چوبی که در آن پاسپورت های مسافری کنترل می شود بدون تغییر پابرجا بود. پولیس ها ملبس به عین یونیفورم سابق و همان نگاه خسته مانند همکاران قبلی شان، پاسپورت های مسافری تازه وارد را تاپه می زدند.

شخصی که پاسپورت مرا تاپه کرد، بدون ریش بود، قبل از این که به بسیار ادب پاسپورت مرا برایم مسترد نماید، آن را فوتوکاپی نمود، عیناً مانند دیگر مسافران ایکه قبل از من بودند. بعد از خارج شدن از میدان هوایی به طرف ایستگاه تاکسی روانه شدم، هیجان و احساساتی که از زمان خروج طیاره برایم رخ داده بود، آرام نشده بود و اشک از چشمانم جاری شد. بالاخره من کشوری را که دو سال قبل رها کرده بودم، دوباره یافتم .

سال ۲۰۲۰ برای من یک سال مرده به دلیل کرونا محسوب می گردید. در اوایل شیوع مرض من به آن مبتلا شدم و صحت خود را دوباره به دست آوردم. دوره نقاهت بسیار طولانی بود و همچنان به دلیل مرض کرونا قیودات زیاد برای سفر نمودن وضع گردیده بود. باید یاد آوری نمود که بعد از اسلام آباد پوشیدن ماسک ضروری نبود، تاکسی ها همه به نوبت برای حمل و نقل مسافری صف بسته بودند، به یک تاکسی به رنگ زرد سوار شدم. باید علاوه کنم که من یگانه مشتری بودم.

موتوران تاکسی یک شخص خوش برخورد و مطبوع بود، اما رانندگی او یک تابوت باز بود، چندین مرتبه من فکر می کردم که ما شاید در موتریکه در مقابل ما در حرکت بود، داخل شویم. اوضاع ترافیک کابل عیناً مانند قبل، ازدحام موتر ها، عین پولیس های ترافیک با عین یونفورم و یک اندازه چمک تر از سابق، متوجه شدم که در جمله عابریین تعداد خانم ها زیاد است. همه خانم ها مانند سابق بدون چادری تنها یک چادر، لباس های شان مانند سابق، بعضی شیک و باسلیقه. تعدادی گدا ها مانند سابق.

در بین راه میدان هوایی و دفترم، در یک قسمت مزدحم مردم جمع شده بودند، فکر کردم شاید کدام حادثه ترافیکی اتفاق افتاده باشد، اما یک پوسته تلاشی بود. به همه حال دیدم که به تعداد ده نفر از مبارزان جوان با مو های دراز، که در ماه اگست ۲۰۲۱ برای ما در خبرها و همه رسانه ها مانند وحشی ها که به خون کابلی ها تشنه اند، نشان داده شده بودند.

متوجه شدم که توسط خارجی ها در داخل یک چوکات و با نظم برای شان مشوره داده می شود.

شاید برای آنها طرز برخورد را یاد می دادند؟

اما همین خارجی ها مردمان یک اندازه خشن معلوم می شدند، قوی هیکل، ملبس با واسکت های ضد گلوله مسلح بودند با تفنگچه در کمربند های شان، با چهره های پرچین و چروک، این ها کی ها هستند؟ (برایم گفتند که ترک ها می باشند).

شاگرد های شان همه با سلاح های نو امریکایی مجهز، و تفنگ های شان همه مجهز با عینک و بسیار پاک و صیقل شده که انسان فکر می کرد که بازیچه های پلاستیکی اند.

چند موتر پولیس که در آن همین گونه جوان های مو دراز سوار بودند به صورت زیکزک در بین ترافیک در حرکت بودند. ناگفته نماند که موتر های شان با یک دسته گل مزین بود، شاید به علامت صلح؟

من خوب میدانم که افغان ها بسیار گل را خوش دارند، حتی طالبان ۲۵ سال قبل نیز به گل علاقه داشتند.

در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ من هم مانند همه مردم، گرفتن کابل را توسط طالبان از طریق رسانه ها مشاهده نمودم.

برای من یک واقعه اجتناب ناپذیر و حتمی از ۲۰ سال به این طرف بود.....

لاکن توسط رسانه های ما مانند یک حادثه غیر مترقبه تمثیل داده شد، من بیانات و اعلامیه های سفیر فرانسه در کابل را که مانند یک هنرپیشه سینما با عینک های سیاه به چشمان، سوار به هلیکوپتری که وی را از سفارت به میدان هوایی کابل انتقال می داد، شنیدم: «چنین فرمود «من به میدان هوایی کابل می روم و در آن جا اقامت گزین می شوم، برای استقبال افغان هائی که با مؤسسات غیر دولتی فرانسه و اردوی فرانسه همکاری کرده اند» . (<https://huffingtonpost.fr>)

با شنیدن این اعلان، تمام افغان هائی که در تمام مدت حضور من در افغانستان با من همکاری نموده بودند، که تعداد شان به هزاران نفر می رسید با روان نمودن پیغام و یا از طریق تیلیفون از من درخواست نمودند که آن ها را با فامیل های شان از افغانستان خارج نمایم، بعد از بیانات وزیر خارجه فرانسه و رئیس جمهور مکرون (vie-publique.fr), (monde.fr).....

برای افغان ها مسلم بود که همه آنهائی که با فرانسوی ها کار کرده اند از افغانستان خارج می شوند. لست همکاران من نیز بسیار طولانی گردید، لکن روز ها می گذشت و برای هیچ یک از آن ها ویژه داده نشد و از افغانستان خارج نگردیدند. هم امید همکاران افغان من که با ایشان همیشه در تماس هستم و هم امید من از دریافت ویژه برای آن ها قطع گردید.

من اگر یک قسمت زیاد عمرم را در افغانستان سپری نموده ام، یقیناً برای این نبوده است که من تمام آن ها را به فرانسه بیاورم، آرزویم این بود که توانسته باشم به آنها چیزی آموخته باشم تا بتوانند مصدر خدمت برای کشور شان گردند.

اما بعد از بیانات غیر مسئولانه اشخاص صاحب اقتدار دولت فرانسه، همه همکارانم فکر کردند که با فامیل های شان توسط طیاره به فرانسه انتقال داده می شوند و در فرانسه زندگی با شکوه را با فرا گرفتن زبان و شغل مساعد آغاز خواهند کرد، و افغانستان را برای طالبان رها می کنند..... روز ها و ماه ها گذشت و هر روز پیغام های سوال برانگیز از جانب همکاران و پرسونل من برایم می رسید:

آیا به راستی من برای شان دوسیه تهیه کرده ام؟

آیا دوسیه ها را به مراجع مربوطه روان کرده ام؟

آیا دوسیه ها را به آدرس های درست ارسال کرده ام؟

حتی بعضاً خود شان برایم آدرس می فرستادند که دوسیه های شان را به آن آدرس بفرستم، بعضاً با لحن سوال برانگیز می گفتند، که آن ها کسانی را می شناسند که با فامیل های شان به فرانسه رفته اند و زندگی خوشی را می گذرانند.

من به صورت منظم با آن ها، یا از طریق تلفون و یا اینترنت در تماس بودم، خصوصاً که بعضی شان می گفتند که در خطر مرگ قرار دارند و به صورت مخفی زندگی می کنند و هم چنان بعضی از آنها از بیکاری شکایت می نمودند، من که مدت طولانی در این کشور زندگی کرده ام و برای من وطن دوم می باشد، از طرف دیگر افغان ها را بسیار خوب می شناسم و به خوی و عادات شان بلدیت دارم.

من در تمام جنگ های داخلی که اوضاع فوق العاده بد و بسیار وخیم و خطرناک بود، با آن ها سپری نموده ام. من در زمانیکه برای بار اول در زمستان ۱۹۹۵-۱۹۹۴ اولین تحریک طالبان به غزنی رسیدند، با مردم بودم.

و همچنان در سال ۲۰۰۲ نیز من در آن جا بودم که تمام دنیا به افغانستان ریختند، به اصطلاح برای آبادی و احیای مجدد افغانستان.

عنقریب مدت سی سال می شود که من بالای سیستم زمینداری (زراعت و آبیاری) افغانستان کار می کنم و مطالعات و تجسساتم در مورد سیستم آبیاری آن کشور که عبارت می باشد از کاریز ها، چشمه ها، کانال های آب رسانی و هم حاصلات زراعتی که در هر نوع شرایط و حالات و اوضاع شکم مردم را سیر کند، یعنی افغانستان از نقطه نظر زراعت خود کفء شود.....

به مجرد گرفتن قدرت توسط طالبان، فرانسه سفارت خود را در کابل مسدود نمود و دولت فرانسه اعلان نمود که افغان هائی که آرزوی آمدن به فرانسه را داشته باشند به قونسلگری فرانسه در اسلام

آباد مراجعه کنند برای شان ویژه داده می شود، بدون این که به فکر این باشند که سرحدات مسدود شد، و یا اینکه باوجود پیمودن یک راه بسیار مغلق از طریق یک آژانس مسافرتی پاکستانی، بالاخره ویژه شان رد می شد، و همچنان برای مسئولین فرانسوی ارزش نداشت که داعش وقتاً فوقتاً سرک تورخم را به دست داشت. (افغانستان: داعش ادعای حمله بر طالبان در جلال آباد را به تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱ نمود <https://www.sudouest.fr> .)

دفتر ویژه قونسلگری فرانسه در اسلام آباد حتی کوشش این را هم نمی کند که یا به دری و یا به انگلیسی برای شان جواب بدهد، جواب تنها به فرانسوی می باشد که اکثریت مطلق در افغانستان فرانسوی زبان نیستند.

در فرانسه مؤسسات غیر دولتی، سفرا ایکه در این بیست سال به نوبت در افغانستان بودند و همچنان بعضی از سیاستمداران شروع به مجالس، سمینار ها و کنفرانس ها نمودند، و به صورت جسته و گریخته و یا پراکنده، طالبان، شریعت، داعش، القاعده و بالاخر بعضاً اسلام و اسلامیت و همه از نزد شان درهم و برهم شده، همه را محکوم می کنند.....

خبرنگاران رسانه ها که در افغانستان نماینده دارند مضامین محکوم کنند بالای طرز العمل طالبان با مردم، مخصوصاً با خانم ها می نویسند (یک مثال کوچک: کنفرانس به تاریخ دوم سپتامبر ۲۰۲۱ در بلدیة پاریس <https://www.paris.fr> ، کنفرانس در بروکسل در مورد افغانستان به تاریخ ۴ و ۵ اکتوبر ۲۰۲۱ europa.eu) ،

ملل متحد نیز در بازی داخل می شود و تقاضای یک مقدار پول هنگفت برای افغانستان می کند (Afg.Onu déclaration Antonio Guterres, ۲۶,۰۱,۲۰۲۲, news.un.org)

افغانستان شناسان و یا متخصصین افغانستان که من می دانستم که یک تعداد هستند، اما نه به این اندازه، همه خشمگین شدند و با خشم ابراز نظر می کنند.

من تصمیم گرفتم که به افغانستان بروم:

ادامه دارد